

Cheap, Affordable or Good Value? | Precision English

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

47 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Julia, I have found the cheapest coat in the shop.

جولیا، ارزان‌ترین پالتوی فروشگاه را پیدا کرده‌ام.

That could be useful, but will it keep you warm?

شاید خوب باشد، اما گرم می‌کند؟

I had not asked the coat that question yet.

هنوز این سؤال را از پالتو نپرسیده بودم.

Welcome to Precision English, from Your English Toolbox.

به Precision English از Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Julia, here with Martin and three expressions that are not quite the same.

من جولیا هستم، اینجا با مارتین و سه عبارت که دقیقاً یک معنی ندارند.

Cheap, affordable, and good value for money.

Cheap, affordable و good value for money.

They help us separate the price, our budget, and what we get in return.

این‌ها کمک می‌کنند قیمت، بودجه‌مان و چیزی را که در عوض می‌گیریم از هم جدا کنیم.

Let us begin with cheap.

با cheap شروع کنیم.

Cheap means costing little money, especially compared with similar things.

Cheap یعنی کم‌قیمت بودن، به‌ویژه در مقایسه با چیزهای مشابه.

These tickets were cheap because we booked early.

این بلیت‌ها ارزان بودند چون زود رزرو کردیم.

There, cheap is a positive thing.

اینجا cheap نکته‌ای مثبت است.

But cheap can also suggest poor quality, depending on the context.

اما بسته به موقعیت، cheap می‌تواند کیفیت پایین را هم القا کند.



If I say a bag looks cheap, I am probably criticising how it looks or feels.

اگر بگویم یک کیف looks cheap, احتمالا دارم ظاهر یا جنس آن را نقد می‌کنم.

So cheap does not always mean bad, but it can sound negative.

پس cheap همیشه به معنی بد نیست، اما می‌تواند بار منفی داشته باشد.

Exactly, and inexpensive can be a more neutral word when you only mean a low price.

دقیقا، و وقتی فقط قیمت پایین را می‌گویید، inexpensive می‌تواند خنثی‌تر باشد.

Now, affordable.

حالا affordable.

Affordable means that something is within the amount a person or group can reasonably pay.

Affordable یعنی قیمت چیزی در محدوده‌ای است که یک فرد یا گروه به‌طور معقول توان پرداختش را دارد.

It connects the price to a budget.

این واژه قیمت را به بودجه ربط می‌دهد.

A coat may be affordable for one person but too expensive for another.

یک پالتو ممکن است برای فردی قابل‌پرداخت و برای فرد دیگری خیلی گران باشد.

That means a high price is not automatically unaffordable for everyone.

پس قیمت بالا لزوماً برای همه غیرقابل‌پرداخت نیست.

And a low price might still be more than someone can spend.

و حتی قیمت پایین هم ممکن است از توان مالی کسی بیشتر باشد.

Notice the useful pattern: affordable for someone.

به ساختار مفید affordable for someone توجه کنید.

We are looking for a flat that is affordable for our family.

دنبال آپارتمانی هستیم که خانواده ما توان پرداخت هزینه‌اش را داشته باشد.

Our third expression is good value for money.

عبارت سوم ما good value for money است.

Something is good value for money when what you receive is worth the amount you pay.

وقتی چیزی که دریافت می‌کنید ارزش مبلغ پرداختی را داشته باشد، good value for money است.

Think about quality, usefulness or how much is included, not only the number on the label.

به کیفیت، کاربرد یا مقدار خدمات و کالا فکر کنید، نه فقط به عدد روی برچسب.

This coat costs more, but it is warm, well made and likely to last.

این پالتو گران‌تر است، اما گرم است، خوب دوخته شده و احتمالا دوام دارد.



For someone who needs it, it could be good value for money.

.....
برای کسی که به آن نیاز دارد، می‌تواند ارزش خوبی نسبت به قیمتش داشته باشد.

That is a judgement about this imagined example, not a promise about an actual product.

.....
این ارزیابی یک مثال خیالی است، نه وعده‌ای درباره یک محصول واقعی.

And something can be good value without being affordable for me right now.

.....
و چیزی ممکن است ارزش خوبی داشته باشد، اما من همین حالا توان خریدش را نداشته باشم.

Precisely.

.....
دقیقا.

A worthwhile price and a manageable personal budget are different questions.

.....
قیمتی که ارزش پرداخت دارد و بودجه شخصی قابل‌مدیریت دو موضوع متفاوت‌اند.

Let us test those differences with three situations.

.....
بیایید این تفاوت‌ها را با سه موقعیت امتحان کنیم.

First, a pen costs very little compared with other pens, but you know nothing about its quality.

.....
اول: خودکاری در مقایسه با خودکارهای دیگر بسیار ارزان است، اما درباره کیفیتش چیزی نمی‌دانید.

Which word tells us only about that low price?

.....
کدام واژه فقط آن قیمت پایین را به ما می‌گوید؟

Cheap, although inexpensive would sound more neutral.

.....
Cheap، هرچند inexpensive خنثی‌تر به نظر می‌رسد.

Second, a course fits comfortably within the amount you planned to spend.

.....
دوم: هزینه یک دوره به راحتی در مبلغی که برای خرج کردن در نظر داشتید جا می‌گیرد.

It is affordable for you.

.....
برای شما قابل‌پرداخت است.

Third, a ticket includes an excellent performance and a useful workshop for a reasonable total price.

.....
سوم: یک بلیت شامل اجرای عالی و کارگاهی مفید با قیمت کل معقول است.

You might call it good value for money.

.....
ممکن است آن را good value for money بنامید.

Now, can an item be cheap but poor value if it breaks immediately?

.....
حالا آیا چیزی می‌تواند ارزان باشد اما اگر فوراً خراب شود، ارزش خرید پایینی داشته باشد؟

Yes, a low price does not guarantee a worthwhile purchase.

.....
بله، قیمت پایین تضمین نمی‌کند خرید ارزشمندی باشد.



Finish this sentence about your own life: for me, good value means...

.....

این جمله را درباره زندگی خودتان کامل کنید: برای من ارزش خوب در برابر پول یعنی...

Find our comparison activity and vocabulary on the episode page.

.....

تمرین مقایسه‌ای و واژگان ما را در صفحه اپیزود پیدا کنید.

The link is in the description.

.....

پیوند در توضیحات است.

Three questions: is the price low, can I afford it, and is it worth the money?

.....

سه سؤال: آیا قیمت پایین است، توان خریدش را دارم و آیا ارزش پولش را دارد؟

And one more question for Martin: are you finally trying the coat on?

.....

و یک سؤال دیگر برای مارتین: بالاخره داری پالتو را امتحان می‌کنی؟

